پژوهشنامه خراسان بزرگ
شماره ۳۲ پاییز ۱۳۹۷
No.32 Fall 2018
۵۸-۴۳
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۵/۲۳

جایگاه اقتصادی مرو در سده‌های سوم و چهارم هجری

کیوان شافعی: استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی سنندج (Kaivan_shafei@yahoo.com)
امیر عبدالهی: استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی ماکو (Amirabdulahi@yahoo.com)
انور خالندی: دانش‌آموخته دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه تهران
علی‌اصغر چاهیان بروجنی: دانش‌آموخته دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه تبریز (Aliasghar.chahian@yahoo.com)

چکیده

در قرون سوم و چهارم هجری به دلیل توسعه تجارت در سرزمین‌های اسلامی به‌ویژه در منطقه خراسان و ماوراءالنهر، رشد شهرنشینی و توسعه شهرها رونق گرفت. شهر مرو به دلیل جایگاه ارتباطی و بهره‌مندی از اقتصادِ پررونقِ تولیدی و مبادلاتی همانند برخی شهرهای دیگر خراسان از رشد و دگرگونی کالبدی چشمگیری برخوردار بود. در اواخرِ قرن چهارم هجری که بعضی از شهرهای خراسان و ماوراءالنهر با انحطاط شهری مواجه بودند، مرو از لحاظ همگونی اقتصادی وضعیت بهتری نسبت به برخی شهرها داشت. پژوهش حاضر در نظر دارد با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه‌بر متون تاریخی و جغرافیایی، ضمن اشاره‌ای گذرا به جغرافیای تاریخی مرو، جایگاه اقتصادی و شرایط اقتصادی این شهر را مورد بررسی قرار دهد. دستاوردها نشان می‌دهد اگرچه رشد مرو از لحاظ سیاسی در این دو سده در مقایسه با دوره‌های پیشین رو به انحطاط بود، اما از منظر اقتصادی رونق و شکوفایی آن حفظ گردید، چنانکه مسائلی همچون وجود راه‌های تجاری، بهره‌مندی از مزایای جاده ابریشم، سیستم آبیاری، تولید فراوان محصولات کشاورزی، تولید و صدور انواع منسوجات، رونق بازار مرو و مبادلات تجاری با سایر سرزمین‌های دیگر در سده‌های سوم و چهارم هجری، باعث رونق و شکوفایی اقتصادی مرو بودند.

واژگان کلیدی: بازار مرو، جایگاه اقتصادی، خراسان، صادرات مرو، مرو.

Abstract

In the ninth and tenth centuries AD, urban development and the growth of cities flourished due of the expansion of trade in Islamic lands especially in Khorasan and Transoxiana. The city of Merv like some other cities in Khorasan had a significant physical growth and transformation because of its transformation status and the prosperous manufacturing and trading economy. At the end of the tenth century AD, when some of the cities of Khorasan and Bein-O-Nahrein were facing urban collaspe, Marv enjoyed a better position in terms of economic homogeneity than other cities. The present article intends to investigate the economic status and condition of Merv by using a descriptive-analytical method and relying on historical and geographical textsThe findings of this research show that although Merv was declining politically in comparison with previous ages its economical growth and prosperity was reserved. Also, issues such as trading roads, taking advantage of the Silk Road, the abundant production of agricultural products, the production and export of all kinds of textiles, the prevalence of Merv's market and trade exchanges to other region, in the ninth and tenth century AD, brought economic prosperity for Merv.

Keywords: Merv Market, Economic status, Khorasan, Merv Export, Merv.

*نویسنده مسئول مکاتبات: انور خالندی (۰۹۱۲۰۷۰۹۴۶۸) (A.khalandi@ut.ac.ir)

مقدمه

دوره‌های تاریخی شاهد دگرگونی‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی زیادی می‌باشد که این دگرگونی‌ها بر شالوده‌های گوناگون زندگی بشر تأثیر می‌گذارند. یکی از این محورها و شالوده‌های خاص در زندگی اجتماعی پدیدهٔ شهر و شهرنشینی است. در قرون سوم و چهارم هجری که سلسله‌های ایرانی بانام متعارف -سلسله‌های متقارن- شکل گرفتند، گذشته از آن‌که دگرگونی‌های تجاری و اقتصادی در این دوران در تحولات و رشد شهرها مؤثر بودند، به دلایل مختلف همچون وجود کانون‌های سیاسی گوناگون در ایران، ایرانی‌تبار بودن حکومت‌های شرقی و افزایش روزافزون قدرت آن‌ها در برابر دستگاه خلافت و سعی بر تجلی جلوه‌هایی از قدرت حکومت‌های قبل از اسلام، باعث گردید تا شهرها موردتوجه خاصی قرار گیرند. خراسان و ماوراءالنهر ازجمله این مناطق می‌باشند که دستخوش تحولات تاریخی، سیاسی و اقتصادی قرار گرفتند. شکل‌گیری و وجود کانون‌های سیاسی سلسله‌های ایرانی ازجمله طاهریان و سامانیان در این منطقه و عبور راه‌های تجاری و ارتباطی در این منطقه به تحولات، رشد و جایگاه شهرهای این منطقه در سده‌های سوم و چهارم هجری کمک می‌کرد. در این بین مرو، نیشابور، بخارا و بلخ ازجمله شهرهای برجستهٔ شرقی ایران واقع در مناطق ماوراءالنهر و خراسان بودند. شهر مرو که از دوران باستان به دلیل موقعیت استراتژیک سرحدی کانون مرکزیت سیاسی بود، در دو قرن نخستین اسلامی نیز این مرکزیت را حفظ نمود، اما با استقرار سلسله‌های طاهریان، سامانیان و غزنویان این مرکزیت به نیشابور در خراسان انتقال یافت. بااین‌حال نبود مرکزیت سیاسی در مرو در سده‌های سوم و چهارم، مانعی بر تداوم رشد مرو نگردید.

این پژوهش با رویکردی تاریخی و با روش توصیفی-تحلیلی در نظر دارد چرایی و چگونگی رشد این شهر را در دو سدهٔ مورد بحث و همچنین جایگاه اقتصادی مرو را مورد بررسی و واکاوی قرار دهد. لازم به ذکر است مقصود از جایگاه اقتصادی در این پژوهش، علاوه بر بررسی وضعیت اقتصادی مرو، مبادلات تجاری داخلی و خارجی، فرآورده‌های تولیدی، رونق بازار، صادرات محصولات تولیدی مرو و هر نوع فعالیت اقتصادی داخلی و خارجی مرو در دو سده مذکور می‌باشد.

با اذعان به رونق و اهمیت سیاسی شهرهای بخارا و نیشابور در سده‌های سوم و چهارم هجری و از دست رفتن مرکزیت سیاسی مرو، نکته قابل‌توجه آن است که از لحاظ اقتصادی شهر مرو به دلایلی خاص که در این پژوهش مورد واکاوی قرار می‌گیرد، توانست موقعیت اقتصادی خویش را در آن زمان در خراسان حفظ نماید. می‌توان گفت این رونق و شکوفایی اقتصادی در کنار موقعیت استراتژیک مرو به‌صورت یک روند خاص از قرن سوم آغاز و در پایان قرن چهارم به شکوفایی اقتصادی رسید.

پیشینه پژوهش

تحقیقات تاریخی درباره حوادث سیاسی مرو اندک نیست، اما از منظر اقتصادی به‌ندرت پژوهش در این زمینه صورت گرفته است و همچنین برخی پژوهش‌ها به رونق و شکوفایی مرو در دوره‌های تاریخی پرداخته‌اند. شایان ذکر است که تاکنون در زمینه جایگاه اقتصادی مرو در قرون سوم و چهارم هجری پژوهش مستقلی صورت نگرفته است، اما برخی تحقیقات اشارات مختصری به موضوع مذکور داشته‌اند که پاسخگوی تمام ابهامات در مورد جایگاه اقتصادی مرو در سده‌های سوم و چهارم هجری نیست. به‌عنوان نمونه، سیدی در کتاب *جغرافیای تاریخی مرو* علاوه بر اشاره مفصل به جغرافیای تاریخی این شهر، اطلاعات مفیدی در زمینه راه‌های ارتباطی، شهرک‌ها و رودهای مرو به دست می‌دهد. اما بحث‌های مهمی چون تولیدات و فرآورده‌ها، تجارت مرو و به‌طورکلی جایگاه اقتصادی مرو در این پژوهش مغفول مانده است. فریبا پات در مقاله‌ای با عنوان *اوضاع سیاسی-اقتصادی مرو در جاده خراسان تا حمله مغول*، اوضاع سیاسی و اقتصادی مرو را در هفت قرن بررسی کرده و نگاهی گذرا به جایگاه اقتصادی مرو در قرون سوم و چهارم هجری داشته است. جواد هروی نیز در کتاب *تاریخ سامانیان عصر طلایی ایران بعد از اسلام* اشاراتی به جایگاه اقتصادی مرو در دوره سامانیان داشته است. شبان در پایان‌نامه‌ای با عنوان *منابع ثروت مرو از تشکیل دولت‌های مستقل تا حمله مغول* مباحث مهم اقتصادی مرو را در فاصله قرن‌های سوم تا هفتم هجری در پژوهش خود آورده که از حیث گردآوری دارای اطلاعات انبوه و ارزشمندی است، اما عدم تحلیل‌های اقتصادی که نقش و جایگاه مرو را در مبادلات تجاری داخلی

و خارجی روشن سازد، از مهم‌ترین کاستی‌های این پژوهش می‌باشد و همچنین ضعف دیگر آن، عبور شتاب‌زده از اوضاع اقتصادی مرو در سده‌های سوم و چهارم هجری است. لازم به ذکر است توجه به جایگاه اقتصادی مرو از دید پژوهشگران خارجی نیز مغفول نمانده است. علاوه بر لسترنج و بارتولد، در سال‌های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۷م چندین مقاله درباره مرو به زبان انگلیسی چاپ شده است، اما شالوده اصلی تحقیق این مقالات برگرفته از لسترنج و جغرافی نویسان اسلامی است که کمتر تحلیل اقتصادی مربوط به سده‌های سوم و چهارم هجری در آن‌ها دیده می‌شود. از میان مقالات مذکور، دو مقاله زیر به‌عنوان پیشینه تحقیق، حائز اهمیت هستند: هرمان در مقاله‌ای با عنوان: Early and Medieval Merv: A Tale of Three Cities در مورد جایگاه و نقش اقتصادی مرو به پژوهش پرداخته، اما کاستی مهم این پژوهش صرف‌نظر از اینکه بیشتر تکیه‌بر دوران قبل از اسلام است، در دوران اسلامی بیشتر داده‌هایش مربوط به دوره سلجوقی می‌باشد و در مورد قرون سوم و چهارم هجری کلی‌گویی کرده است. زرن در مقاله‌ای با عنوان Merv: An oasis capital in the ancient paradise هرچند مهم‌ترین مراکز بازرگانی دوره‌های سامانی و غزنوی را در تحقیق خود آورده است، اما تأکید بیشتر او بر جغرافیای تاریخی مرو است (که در نوع خود اطلاعات ارزشمندی ارائه می‌دهد)، اما این جریان باعث شده که کمتر جایگاه اقتصادی مرو را در کانون توجه خویش قرار دهد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر در پاسخ به این سؤال می‌باشد که جایگاه اقتصادی مرو در سده‌های سوم و چهارم هجری چگونه بوده و چه عواملی موجبات رونق و شکوفایی اقتصادی مرو در این دو سده را فراهم آورده، سامان یافته است. روش مورد استفاده در این پژوهش، روش تاریخی از نوع توصیفی-تحلیلی، بر اساس گردآوری اطلاعات تاریخی و جغرافیایی موجود و تحلیل گزاره‌های تاریخی می باشد. مهم ترین ابزار تحقیق در پژوهش حاضر منابع کتابخانه‌ای است.

پیشینۀ اقتصادی

شهر مرو[1] به‌عنوان یکی از شهرهای مهم خراسان در دوره باستان دارای اهمیت ویژه‌ای بود[2] (Zadneprovsky, 1995: 155-159;Masson, 1991: 181-182). از لحاظ اقتصادی شهر مرو در دوره باستان به‌ویژه دوره ساسانی ازجمله شهرهای پررونق اقتصادی بود که رشد و گسترش تجارت و بازرگانی و عبور و مرور بازرگانان در این شهر را به دنبال داشت. تاجران مروی در دوره ایران باستان با سرزمین‌های دیگر روابط تجاری و بازرگانی داشتند. به‌عنوان

۱. نام مرو در بند دوم کتیبۀ بیستون مرگوش (margush) آمده است: (شارپ، ۱۳۸۸: ۴۳). مرو در اوستا به‌صورت مورا (Moura) ذکر شده و در دوره سلوکی مرغیانا (Margiana) نامیده می‌شد (Zeren, 2015: 14). همچنین مرو در نوشته‌های چینی به‌صورت «ما . لی وو» آمده است (برت اشنایدر، ۱۳۸۱: ۳۹٤). به نظر فرای واژه مرگو با توجه به وضع جغرافیایی محل به معنای دشت یا مرغزار هم می‌تواند باشد (فرای، ۱۳۸۸: ٤۷). از دوران پیش از اسلام دو شهر بانام مرو در کنار رود مرغاب وجود داشته که شهر بزرگ‌تر مروشاهجان یا شاهیجان و شهر کوچک‌تر مروالرود خوانده می‌شده‌اند (لسترنج، ۱۳٦٤: ٤۲٤؛ فرای، ۱۳۸۸: ۲۹). در حدود العالم-قدیمی‌ترین متن جغرافیایی فارسی- از این شهر مرو نام‌برده می‌شود (حدود العالم، ۱۳۸۳: ۳۰۰). دیگر جغرافی‌نویسان اسلامی همچون اصطخری (اصطخری، ۱۳٦۸: ٤٥۳) و ابن‌حوقل (ابن حوقل، ۱۳٤٥: ۱٦۹) بانام شاهجان یاد می‌کنند. برخی جغرافیدانان دیگر مانند یاقوت حموی، مقدسی، ابوالفداء و ابن فقیه آن را روح یا جان یا ویژۀ پادشاه معنی می‌کنند (حموی بغدادی، ۱۹۹٥: ۱۱۳/٥؛ مقدسی، ۱۳٦۱: ۲/٤۳٤؛ ابوالفداء، ۱۳٤۹: ٥۳۱؛ ابن فقیه، ۱۳٤۹: ۱٦۸) در مورد بنای شهر مرو عده‌ای از جغرافی‌نویسان اسلامی ازجمله صاحب حدود العالم، اصطخری و ابن حوقل آن را به طهمورث، پادشاه پیشدادی، نسبت می‌دهند. این در حالی است که برخی دیگر مانند ابن بلخی، ثعالبی، حموی و ابن فقیه ساخت آن را توسط اسکندر مقدونی می‌دانند.

۲. کوروش اول، مرو را به همراه بلخ، زرنگ و رخج در زمرۀ ایالات هخامنشی درآورد (گیرشمن، ۱۳۷۹: ۱٤۰). در تقسیمات سلطنتی اردشیر بابکان، مرو به‌عنوان شهری که مرزبان داشت موردتوجه اردشیر بود. همین روند و توجه ویژه به مرو در دوران بعد از وی نیز ادامه پیدا کرد، به‌طوری‌که برخی شاهان و حاکمان ایالات و شهرهای مختلف به‌ویژه خراسان و شرق ایران دارای القابی بودند ازجمله مرزبان مرو که ماهویه لقب گرفت (ابن خردادبه، ۱۳۷۱: ۳٤؛ کریستنسن، ۱۳۷۸: ۷۸). ابن خردادبه از اهداء لقب شاهی به حاکم محلی این شهر (مرو شاه) یاد می‌کند که درواقع نشان‌دهنده اهمیت حاکمان محلی و دهقانان این شهر می‌باشد (ابن خردادبه، ۱۳۷۱: ۲۱).

نمونه سکه‌های یافت شده در چین از تاجران مروی در دوره ساسانی، نشانگر روابط تجاری مرو با چین بوده است (آلتهایم و همکاران، ۱۳۹۳: ۹۹-۹۷). به دلیل این جایگاه تجاری و اقتصادی، مرو همواره مورد توجه حاکمان ایران باستان بوده است، چراکه از نظر آنان مرو پیوند دهنده تجارت شرق و غرب به شمار می‌رفت. این رونق اقتصادی مرو در دوره ایران باستان، تنها در بخش بازرگانی و تجارت نبود، بلکه به دلیل وجود رود مرغاب در زمینه کشاورزی نیز اهمیت چشمگیری داشت (کریستنسن، ۱۳۷۸: ۱۸۸).

در دوران اسلامی نیز مرو در کنار شهرهای هرات، بلخ و نیشابور جزو چهار شهر اصلی خراسان به شمار می‌آمد که تأمین بخشی از سپاه و شحنه را بر عهده داشت (یعقوبی، ۱۳۸۲: ۲/۶۰؛ ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۱۶۶). وجود منطقهٔ مرو در خراسان و قرار گرفتن در مسیر ماوراءالنهر موجب می‌شد تا درگذر زمان و تحولات تاریخی از دستخوش حوادث دور نماند.[۱] بعد از ورود اسلام به ایران، به‌ویژه در دو قرن نخست هجری اهمیت اقتصادی مرو تداوم یافت. اسکان عده‌ای از قبائل عرب در مرو و اشتغال آنان به فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی نشانه اهمیت اقتصادی مرو بود (فرای، ۱۳۸۸: ۹۳-۹۱). در این دو قرن شهر مرو، به‌مانند دوره باستان از لحاظ تجارت و بازرگانی و شکوفایی اقتصادی موقعیت خویش را حفظ کرد. شایان ذکر است که در نیمه دوم سده دوم هجری، مرو یکی از دارالضرب‌های خلفای عباسی بود که این مسئله نشان‌دهنده شکل‌گیری و افزایش اهمیت جایگاه تجاری و اقتصادی مرو در این دوران می‌باشد (اشپولر، ۱۳۷۳: ۲/۲۵۱). همچنین در قرن دوم هجری پس از آنکه نوغان‌داری و پرورش کرم ابریشم تحت تأثیر چینی‌ها در ایران و آسیای میانه پدید آمد، پرورش کرم ابریشم در مرو با موفقیت زیادی پیشرفت کرد و بازرگانان روم که از باکتریا (بلخ) به فرغانه می‌رفتند و با تجاری که از سغد عازم خاور دور بودند، دادوستد می‌کردند به‌زودی این دادوستد خود را به مرو اختصاص دادند (مفتاح، ۱۳۷۱: ۹۸-۹۷). در مجموع، شهر مرو طی سده‌های نخستین اسلامی رو به گسترش بود و در زمینه‌های مختلف به‌ویژه اقتصادی اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد و به یکی از شهرهای درخشان امپراتوری اسلامی تبدیل شد، به‌طوری‌که برخی از جغرافی‌نویسان و مورخان اسلامی، مرو را «ام‌القری» خراسان نامیده‌اند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/۲۳۷؛ مستوفی قزوینی، ۱۳۷۸: ۲۲۱).

محلات و شهرک‌های مرو

برای روشن ساختن و بررسی جایگاه اقتصادی مرو در سده‌های سوم و چهارم هجری، اشاره به محلات و شهرک‌های مرو، به این دلیل که برخی از این محلات و شهرک‌ها کارکرد اقتصادی داشتند و در بهبود و رونق و شکوفایی اقتصادی مرو نقش پررنگی داشتند، ضروری است. شهر مرو در زمینی هموار قرار گرفته بود که چهار دروازه به نام‌های شهر، در سنجان، مشکان و بالین داشت (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/۴۵۹؛ ابن‌حوقل، ۱۳۴۵: ۱۷۰-۱۶۹؛ اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۰۵و۲۰۷). مرو شامل چهار محله اصلی بود که بر محور یکی از چهار رود اصلی مرو شکل‌گرفته بودند. اولی محله هرمزفره[۲] (سیدی و همکاران، ۱۳۸۶: ۹۱-۸۹) بود که بازار و کاخ‌هایی در آن قرار داشت. محله دوم که نسبت به محله‌های دیگر ازلحاظ بنا و عمارت‌ها شلوغ‌تر بود، محله

۱. مرو در سال ۳۱ق توسط عبدالله بن عامر با صلح فتح گردید و خراسانِ آن روز، تحت مرکزیت مرو درآمد (یعقوبی، ۱۳۸۲: ۲/۶۰؛ بلاذری، ۱۳۳۷: ۲/٥٦٤). در دوران حضرت علی(ع)، ماهویه، مرزبان مرو که مسئول جمع‌آوری خراج سالیانه مرو بود، در سمت خویش ابقا شد (یعقوبی، ۱۳۴۳: ۵۹؛ طبری، ۱۳۷۵: ٦/٢٤٩٤). در سال ٤٦-٤٥ق. خراسان مجدداً به چهار ناحیه یا ربع تقسیم شد. ربع مرو شاهجان شامل سرخس، نسا، باورد، مروالرود، طالقان، خوارزم، زم و آمل می‌گشت (اشپولر، ۱۳۷۳: ۲/۷۱). با آغاز دوباره فتوحات در قرن دوم هجری، خراسان مجدداً به شکل ایالت واحدی و با مرکزیت مرو اداره گردید. مرو کانون خیزش سیاه‌جامگان به رهبری ابومسلم خراسانی گشت. در این شهر، مأمون به یاری طاهر ذوالیمینین بعد از غلبه بر برادرش، امین، به خلافت عباسیان رسید. با استقرار مأمون در بغداد به‌عنوان خلیفه، مرو همچنان مرکز حکومت خراسان و طاهریان باقی ماند تا اینکه در دوران عبدالله بن طاهر به نیشابور انتقال یافت و اهمیت سیاسی مرو به‌تدریج کاهش یافت (یعقوبی، ۱۳۴۳: ٤٥؛ اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۰۸؛ ابوالفداء، ۱۳٤۹: ٥١٥).

2 . Hormozfreh

ماچان[1] نام داشت (همان: ۹۲-۹۱). محله سوم که کهن‌ترین محله شهر نیز محسوب می‌شد، محله زریق[2] نام داشت. چندین محله کوچک باهم محله چهارم یا محله اسعدی را به وجود آورده بودند که در کنار آبراهه اسعدی قرار داشت (مقدسی، ۱۳۶۱: ۴۸۵/۲؛ اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۰۷؛ ابن‌حوقل، ۱۳۴۵: ۱۶۹). علاوه بر قصرهای بجای مانده از دوران ساسانی، عمارت‌های شهر مرو عموماً بر محور رودها شکل گرفت و دیوار شهر گرد برگرد این رودها و عمارت‌ها کشیده شده بود که آن را «رای» می‌خواندند (اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۰۷).

در سده‌های سوم و چهارم هجری هم‌زمان با پدیده انتقال بخشی از شهر به رَبَض[3] (اشرف، ۱۳۵۳: ۲۲-۲۱) شهر مرو نیز از این منظر، دچار دگرگونی بافت شهری گردید. نکته قابل‌توجه در دگرگونی شهری مرو در مقایسه با سایر شهرهای خراسان، انتقال فعالیت‌های اقتصادی در ربض‌ها می‌باشد که به‌تدریج پدیده «ایجاد شهرک‌ها» در مرو شکل می‌گیرد. شهرک‌های ایجادشده در کنار شهر قدیمی مرو بیشتر فعالیت‌های اقتصادی، تجاری و مبادلاتی را بر عهده داشتند. این شهرک‌ها با عنوان «شهرک‌های اقماری» از آن‌ها نام‌برده می‌شود. (سید سجادی، ۱۳۸۳: ۲۳۷) که در ذیل به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود: کیرنگ[4] (گیرنگ) شهری کوچک بود (حدود العالم من المشرق الی المغرب، ۱۳۸۳: ۳۰۰) که شاخه‌ای از رودخانه‌های مرو، آن را به دو قسمت تقسیم می‌کرد و پلی این دو قسمت را به هم متصل می‌نمود (مقدسی، ۱۳۶۱: ۴۵۵/۲). دندانقان نیز شهری کوچک در حومهٔ مرو (ابوالفداء، ۱۳۴۹: ۵۳۳) بوده که دارای حصاری به درازی پانصد گام و یک دروازه بود (مقدسی، ۱۳۶۱: ۴۵۶/۲). قرینین[5] با کهندژی محکم، شهری در کنار رود مرو و سرحد مرو با مروالرود که آن را قبلاً برکدیر[6] می‌گفتند (ابوالفداء، ۱۳۴۹: ۵۳۱). کُشمیهن[7] در پنج فرسخی مرو در صحرایی از شن و ریگزار قرار داشت (همان: ۵۱۵). سنج یا سنگ تنها نقطه‌ای بود که در مقابل حمله مسلمانان مقاومت کرد (بلاذری، ۱۳۳۷: ۵۶۴/۲) و مستوفی آنجا را سفیدنج همان مکان آغاز قیام ابومسلم خراسانی می‌داند (مستوفی قزوینی، ۱۳۷۸: ۲۲۲). خرق[8] شهری خوش و دلگشا که بازارش بیرون از آن قرار داشت (مقدسی، ۱۳۶۱: ۴۵۶/۲). ماشان هم شهرکی دیگر بود که شاخه‌ای از آب رودخانه از آن می‌گذشت (مقدسی، ۱۳۶۱: ۴۵۶/۲؛ حموی، ۱۹۹۵م.: ۳۲/۵). غالب این شهرک‌ها دارای بازاری بزرگ و بناهای عظیم بوده‌اند. وجود بازارهای بزرگ و متعدد در این شهرک‌ها، باعث شده بود تا تجار عمده، خرده‌فروشان و دوره گردان در این بازارها به کسب‌وکار و خرید و فروش کالا مبادرت ورزند (سید سجادی، ۱۳۸۳: ۳۳۰).

راه‌های تجاری مرو

یکی از عواملی که در رونق و شکوفایی اقتصادی مرو در قرون سوم و چهارم هجری نقش کلیدی داشت، وجود راه‌های تجاری در مسیر مرو بود. راه‌های ارتباطی بین شهرها و مناطق خراسان بخشی از شبکه راه‌های بین‌المللی بوده که کرانه‌های دریای خزر را به «تین شان[9]» وصل می‌کرده و واسطه ارتباطی میان شرق و غرب بوده‌اند. خراسان یکی از مهم‌ترین این سرزمین‌ها بود که به دلیل دارا بودن شبکه راهی مناسب

1 . Machan

2 . Zorieq

۳. رَبَض جزو تقسیمات سه‌گانه یک شهر بود. آنچه از باروی شهر بیرون بوده ربض بر وزن خَبَر گفتند. ربض در اصل لغت حریم شیئی است و اساس شهر و بنیاد بناست و ربض اطراف خارج شهر و دیوار گرد آن می‌باشد و دیوار داخلی نیز به عربی ربض می‌گویند و غالباً بر مجموع خانه‌ها و عمارات واقع در بیرون دروازه‌های شهر اطلاق شده است که امروز به حومه ترجمه می‌شود و درواقع دیواری است که در اطراف شهر برای محافظت می‌کشند (حموی، ۱۹۹۵، ۷۵۰/۲؛ مفتاح، ۱۳۷۱: ۹۰).

4 . Kirang

۵. در سیستان هم روستایی به نام قرنین وجود داشته که زادگاه صفاریان بود و علت وجه‌تسمیه آن به قرینین قرار گرفتن روبروی مروالرود بوده و حالت تقارن داشته، سابقاً قرینان نیز خوانده می‌شده است. یکی تثنیه قرین است و یکی تثنیه قرن.

6 . Barkdir

7 . koshmihen

8 . kheraq

9 . Tien shan

باعث ایجاد ارتباط سریع و مطمئن با سایر نقاط امپراتوری اسلامی و دیگر سرزمین‌ها می‌شد (همان: ۳۴۲-۳۴۱).

درواقع شهر مرو به دلیل داشتن موقعیت استراتژیک و سرحدی در اکثر دوره‌های تاریخی نقش ارتباطی میان اقوام و ملت‌های هم‌جوار ایفا کرده است. پیدا شدن بعضی سفالینه‌ها با خط سغدی و پهلوی نشان‌دهندهٔ پیشینهٔ نقش پایدار مرو در روابط بین‌المللی و گویای جایگاه ارتباطی و تجاری آن شهر می‌باشد (فرای، ۱۳۸۸: ۵۹). اهمیت مرکزیت مرو در میان شهرهای دیگر خراسان، نقش بارز آن را در زمینه ارتباطات گسترده با دیگر سرزمین‌ها دوچندان می‌کرد.[1] علاوه بر این، عبور جادهٔ ابریشم از شهر مرو اهمیت تجاری و ترانزیتی آن را افزایش می‌داد؛ راهی که پس از بغداد و طی نمودن شهرهایی همچون همدان، ری، دامغان، نیشابور و مرو، در ماوراءالنهر از طریق بخارا و سمرقند به درهٔ فرغانه و اخسیکث[2] و اوزگند می‌رسید[3] (ابن‌رسته، ۱۳۶۵: ۲۲۵-۱۹۲؛ اشپولر، ۱۳۷۳: ۲/۲۶۳). شهر مرو علاوه بر راه ابریشم، دروازه ارتباطی و مرکز مبادلات و تجارت خراسان با هند نیز به شمار می‌رفت. راه هند از طریق مرو به ماوراءالنهر اتصال پیدا می‌کرد. این اهمیت ارتباطی باعث شد تا بعدها از مرو جهت معبر ارتباطی میان هند و ولگا مورداستفاده قرار گیرد (فرای، ۱۳۸۸: ۱۸۳). بر اساس آنچه گفته شد، روشن می‌شود که موقعیت جغرافیایی-تجاری مرو تا چه میزان می‌توانسته در استمرار رونق بازگانی در دو سده مورد بحث در این شهر تأثیرگذار باشد.

جایگاه ارتباطی مرو، موقعیت اقامتی و ترانزیتی مناسبی را به همراه داشت؛ موقعیتی که علاوه بر رشد تأسیسات در این شهر و شهرک‌های پیرامون برای اقامت مسافران، باعث رونق تجاری و مبادلاتی مرو نیز می‌شد. این جایگاه ارتباطی از نظر عمرانی و امور عام‌المنفعه باعث ایجاد گرمابه‌های مشهور، گردشگاه‌های متعدد و تأسیسات مناسب برای مسافران می‌شد (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/۴۳۴و۴۵۴). در مسیر راه‌های تجاری مرو، رباط‌ها و ایستگاه‌های پستی[4] متعددی برای استراحت مسافران و تعویض چهارپایان و خرید و فروش کالاها بنا شده بود (سید سجادی، ۱۳۸۳: ۳۴۲) که از منظر عبور و مرور کاروان‌ها، مبادلات تجاری و ارتباط سایر شهرها با مرو، به رونق اقتصادی مرو کمک شایانی می‌نمود. لازم به ذکر است که یکی از مواردی که در رونق بازار تجارت در هر منطقه‌ای مؤثر است و اهمیت تجاری شهر را نشان می‌دهد، کاروانسرای این منطقه است. هر چه کاروانسراهای آن شهر از نظر تعداد و از نظر کیفیت از رفاه و راحتی برخوردار باشند، نشان از حضور بازرگانان در آن شهر و دلیل بر شکوفایی تجارت می‌تواند باشد. علاوه بر این کاروانسراها بهترین دلیل بر امنیت راه و ارتباطات محسوب می‌شوند که از این نظر مرو دارای کاروانسراهای متعدد و باکیفیتی بود و در رشد و توسعه تجارت نقش وافری داشت.

تولیدات مرو و صادرات آن به سرزمین‌های دیگر

تولیدات و فرآورده‌های هر شهر بدون شک در رونق آن شهر تأثیر به سزایی دارد. تولیدات شهری غالباً یا منبع کشاورزی دارند یا حاصل تولیدات صنایع‌دستی می‌باشند که هر دوی آن‌ها در مرو وجود داشت. در حقیقت پایه‌های دوگانه اقتصاد مرو کشاورزی و باغداری به همراه صنایع‌دستی بود.

---

۱. سید سجادی درباره اهمیت مرکزیت مرو با استناد به یاقوت حموی می‌نویسد: مرو در مرکز خراسان بزرگ واقع شده است. این شهر در میان یک پنج‌گوش فرضی است که در پنج‌گوش آن پنج مرکز بزرگ خراسان واقع‌شده‌اند. بخارا در شمال شرقی، طوس در جنوب غربی، هرات در جنوب و بلخ، طخارستان در شرق و خوارزم در شمال غرب. هرکدام از این شهرها و سرزمین‌ها در ارتباط با دنیای خارج اهمیتی خاص داشته‌اند. بخارا در ارتباط با آسیای مرکزی و شرق دور، بلخ و هرات با شبه‌قاره هند و خلیج‌فارس، خوارزم با سرزمین‌های شمالی و از طریق استپ‌های روسیه با اروپا، نیشابور و طوس با داخل فلات ایران و ازآنجا با مرکز خلافت. چنین موقعیتی به تحکیم موقعیت مرو کمک می‌کرد و آن را جزو نقاط مهم تبادلات بازرگانی و فعالیت‌های اقتصادی درمی‌آورد (سید سجادی، ۱۳۸۳: ۳٤٤).

2 . Akhsiks

۳. این راه در مرو دو شعبه می‌شد، یکی به سمت شمال شرق و بخارا، سمرقند و نهایتاً به شاش و ترکستان و دیگری به‌طرف جنوب شرق به مرو رود، بلخ و تخارستان می‌رسید (ابن خردادبه، ۱۳۷۱: ۲۷-۲٥؛ ابن فقیه، ۱۳٤۹: ۱۷۱؛ بارتولد، ۱۳۸٦: ۸۲).

٤. قدامه بن جعفر از ایستگاه‌های پستی و چاپارها در مسیر تجاری مرو سخن می‌گوید که ضمن پیشبرد ارتباطات و تردد، برای استراحت مسافران نیز مورد استفاده قرار می‌گرفتند (قدامه بن جعفر، ۱۳۷۰: ٤۳-٤۲).

بخشی از تولیدات مرو به مصارف خود مردمان منطقه می‌رسید و مازاد آن نیز در دوره‌هایی که امنیت اقتصادی و فضای تجارت برقرار بود، به نقاط دیگر صادر می‌شدند که در دو سده مذکور به‌واسطه ثبات سیاسی خراسان در بیشتر اوقات خصوصاً در دوره حکمرانی طاهریان، بخشی از صادرات تولیدات مرو به شهرهای داخلی امپراتوری اسلامی ازجمله ماوراءالنهر، گرگان، طبرستان و مرکز خلافت اسلامی یعنی بغداد و بخشی دیگر از این تولیدات نیز به خارج از امپراتوری اسلامی صادر می‌گشت. روشن است که قرون سوم و چهارم هجری که اوج شکوفایی تمدن اسلامی بود، تجارت در جهان اسلام ازجمله خراسان از اهمیت و رونق چشمگیری برخوردار بود (کرمر، ۱۳۷۵: ۱۳۳). نظام تجاری گسترده، متنوع و بعضاً امن حکومت‌های طاهریان و سامانیان در قرون سوم و چهارم هجری، به این تجارت شکوفا کمک شایانی می‌کرد. شکوفایی تجارت در این دوره تا حدی بود که مسلمانان با اروپای شرقی، مرکزی و جنوبی از یکسو و از سوی دیگر با کشورهای شرق امپراتوری اسلامی ازجمله چین و هند مبادلات تجاری داشتند.

شایان ذکر است یکی از دلایل رونق تولیدات و محصولات مرو مرهون چند عامل مهم بود که مرو از آن برخوردار بود. وجود رود مرو[1] که شبکه آب‌رسانی عمده شهر بر اساس آن شکل می‌گرفت، یکی از این عوامل تأثیرگذار بود. رود مرغاب[2] در رشد موقعیت تجاری، تولیدی و اقتصادی شهر مرو اهمیت خاصی داشت که در عصر سامانیان منبع اصلی کشاورزی این منطقه بود (ناجی، ۱۳۷۸: ۶۷۹). این رود علاوه بر شهر مرو به شهرک‌های اطراف نیز تقسیم و توزیع می‌شد. مجاورت با رودخانه موجبات شکل‌گیری و رشد حیات اقتصادی و کشاورزی شهرک‌های ایجاد شده می‌شد (انصاری دمشقی، ۱۳۸۲: ۳۵۰) که رونق اقتصادی و کشاورزی این شهرک‌ها را به دنبال داشت. چنان‌که اصطخری می‌نویسد: «کشاورزی ایشان همه برین آب است» (اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۰۷). عامل مهم دیگر وجود سد مرغاب[3] بود که در مسیر رود مرو ساخته شده بود. این سد بر افزایش تولیدات و محصولات مرو تأثیر به سزایی داشت که باعث نظام آبیاری مصنوعی در شهر مرو در قرون سوم و چهارم هجری شده بود که نسبت به سایر مناطق خراسان از این نظر کامل‌تر بود، چنانکه تحقیقات جدید باستان‌شناسی نیز بر این امر صحه می‌گذارد (ملک شهمیرزادی، ۱۳۷۶: ۳۲۳/۱). همچنین روش توزیع آب در مرو و شهرک‌های آن و مدیریت جریان توزیع آب که در دست میراب شهر بود، بازتاب مثبتی در منابع جغرافیایی و تاریخی داشته است (مقدسی، ۱۳۶۱: ۴۵۹/۲؛ ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۱۷۰). می‌توان گفت بر اساس گزارش موجود در منابع تاریخی و جغرافیایی هیچ شهری در خراسان به‌اندازه مرو در قرن چهارم هجری از لحاظ کانال‌های آبیاری منسجم نبود. انشعاب آب برای حدود ده هزار مالک وجود داشت (قمی، ۱۳۵۳: ۵۳-۴۳). این وضعیت خود یکی از تمایزات شهر مرو با شهرهای شاخص خراسان در دوره مورد بحث می‌باشد که موجب رونق اقتصادی و کشاورزی می‌گردید. در زیر ضمن بررسی محصولات و فرآورده‌های مرو در دو قرن مذکور، تلاش می‌شود به مهم‌ترین محصولات صادرشده از مرو به تفکیک اشاره شود:

غلات

وجود رود مرغاب در مرو و سیستم آبیاری منظم که به آن اشاره شد، باعث تولید نوعی از محصولات کشاورزی مانند غلات می‌گردید که خود رونق اقتصادی شهر مرو را به دنبال داشت،

۱. این رود از کوه‌های غور (یعقوبی، ۱۳۴۳: ۵۳؛ ابن‌حوقل، ۱۳۴۵: ۱۷۱) غرجستان و گوزگانان سرچشمه می‌گرفت و پس عبور از مروالرود، روستاها و نقاطی همچون دزه لوکرین، خوزان، شهرک قرنیین و کیرنگ را پشت سر می‌گذاشت و سرانجام به مرو و کشت‌های اطرافش می‌رسید (حدود العالم، ۱۳۸۳: ۲۹۹).

2 . Marghab

۳. سد مرغاب در مسیر رود در دوازده فرسخی جنوب مرو ایجاد شده بود. پخش آب این رود در روستای زرق یا زریق در شش فرسخی مرو به کمک بخشاب صورت می‌گرفت (اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۰۷؛ بارتولد، ۱۳۸۶: ۷۰). در نیم یا یک‌فرسنگی مرو برای تقسیم آب به نهرها برای هر کوچه یا هر محله در قریه‌ای موسوم به «بخس آب» (بخشاب)، تقسیم آب برای ورود به نهرها در یک استخر گرد و دارای آب‌سنج (آب‌سنج شامل تخته‌هایی با سوراخ‌های منظم برای تنظیم آب بود تا در صورت کسری آب از همه سهم‌ها کم و در صورت افزایش به سهم‌ها افزوده گردد) صورت می‌گرفت.

چنانچه اصطخری آورده است: «غله به هیچ جای چنان نبود کی به مرو» (اصطخری، ۱۳٦۸: ۲۲۱). زکریا بن محمد قزوینی نیز آورده است: «در شهر مرو خیرات و غلات در آن مرتبه وفور را دارد» (قزوینی، ۱۳۷۳: ۲/۲۵۱). تولید فراوان گندم در شهر مرو در همین دوره نیاز به آسیاب‌های فراوان برای تبدیل گندم به نان را ایجاب می‌کرد. چنانچه مقدسی از آسیاب‌های فراوان مرو صحبت کرده است (مقدسی، ۱۳٦۱: ۲/۴۵۵). همچنین کیفیت گندم و نان مرو در منابع این دوره بازتاب زیادی داشته است. به اعتقاد مقدسی، «نان مرو بهتر یافت نمی‌شود و در سرزمین عجمان بی‌مانند است» (همان: ۲/۴۷۸). وی نان مرو را با نان رمله مقایسه می‌کند که معتقد است نان رمله بهتر است و نان مرو در میان عجمان یا پارسیان بی‌نظیر است. (همان) ماسون از پژوهشگران غربی نیز معتقد است که مرو بهترین نان را در خراسان داشت (Masson, 1991: 8). ابن فضلان در برخورد با بزرگان ترکمن‌ها ازجمله طرخان و ینال برای رهایی خود علاوه بر جامهٔ مروی، چند قرص نان هدیه می‌دهد (ابن فضلان، ۲۵۳۵: ۷۷). بدون تردید با توجه به تردد و اقامت چندروزهٔ ابن فضلان در شهر مرو، این نان در شهر مرو تهیه‌شده و این مسئله به‌نوعی نشان‌دهنده شهرت نان مروی می‌باشد. ابن فقیه علت تنوع در پخت نان در شهر مرو را وجود هزار نانوا در سپاه یزدگرد می‌داند که پس از کشته شدن وی در مرو ماندند (ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۹۸). البته دلیل متقن دیگری بر این ادعا پیدا نشد، اما اگر این نظر ابن فقیه صحت داشته باشد، می‌توان برای برخی از مشاغل دیگر نیز این ادعا را مطرح کرد. به‌طورکلی نان، خوراک بیشتر مردم بود که نوع متداول و مطلوب آن از آرد گندم تهیه می‌شد. شهرهای خراسان به‌ویژه مرو به داشتن نان نیکو شهرت داشته و علاوه بر نان گندم، نان خشکه‌ای با آرد و کشمش و مخلوطی از میوه‌ها می‌پختند که مازاد آن به دیگر نقاط صادر می‌شد (ناجی، ۱۳۷۸: ٦۸۰).

میوه‌جات

علاوه بر غلات، میوه‌های فراوان شهرک‌های مرو نیز جزو تولیدات مرو بودند. وجود باغ‌ها و زمین‌های حاصلخیز مرو به همراه رود و سد محصولات فراوانی را وارد بازار می‌کرد و مازاد آن صادر می‌شد. ابن‌حوقل به درختان و میوه‌های فراوان در شهرک کشمیهن اشاره دارد (ابن‌حوقل، ۱۳۴۵: ۱۷۰). میوه‌هایی که در مرو کشت می‌شد از نظر تنوع، بهداشت و کیفیت نسبت به میوه‌های تولیدی در دیگر شهرهای خراسان متمایز بودند (اصطخری، ۱۳٦۸: ۲۰۸؛ ابن‌حوقل، ۱۳۴۵: ۱۷۱). در این دوران، یکی از اقلام تولیدی بااهمیت خراسان انگور بود. اکثر منابع این دوره به این مسئله اشاره کرده‌اند. بنا به گزارش مقدسی درآمد یکی از شهرک‌های مرو به نام خرق از انگور در فصل انگور روزانه صد هزار درهم است (مقدسی، ۱۳٦۱: ۲/۴٦۲) که نشانه فراوانی تولید این محصول است که مازاد آن به سرزمین‌های دیگر صادر می‌شد. در طول کرانه‌های مرغاب تا شهر مرو رود تاکستان‌های بسیاری وجود داشت (ابن‌حوقل، ۱۳۴۵: ۱۷٦). خربزه از دیگر محصولات شاخص مرو بود. اصطخری ضمن آن‌که میوهٔ شهر مرو را بهترین میوه در خراسان توصیف می‌کند، به جایگاه خربزه در اقتصاد مرو اشاره دارد (اصطخری، ۱۳٦۸: ۲۰۸). تولید فراوان آن باعث شده بود که در دسترس تمام طبقات اعم از غنی و فقیر قرار گیرد (ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۱۷۰). مازاد خربزه تولیدی مرو را بعد از پاره کردن خشک نموده و به‌صورت خشکبار به خراسان و نقاط دیگر صادر می‌کردند (Zeren, 2015: 12; Bosworth and Asimov, 1998: 88-89). درواقع، صنعت و پیشهٔ خشکبار ابتکار مروی‌ها به شمار می‌رفته است که با توجه به وجود مازادِ تولید و جایگاه ارتباطی مناسب این شهر، موجبات رونق صنعت خشکبار را فراهم می‌کرد. ابن فندق از شهرت «کربزان مرو[1]» یاد می‌کند که بی‌شک تداعی‌کنندهٔ افرادی است که پیشه خود را صرف تولید خربزه (کشت یا خشک‌کردن) می‌کردند (ابن فندق، ۱۳٦۱: ۲۸).

فزونی و فراوانی میوه‌های مرو در این دوره باعث صادرات این میوه‌ها به سایر نقاط می‌شد. انگور، گلابی (مستوفی، ۱۳۷۸: ۲۲۲؛ Zeren, 2015: 12) و مَویز (ابوالفداء، ۱۳۴۹: ۵۳۱) به شکل خشکبار به نقاط دوردست صادر

1 . Karbozan

می‌شدند. به نظر می‌رسد وجود فراوان انگور در مرو[1]، باعث تولید و تهیه شراب و سرکه در آنجا بوده است (ملک شهمیرزادی، ۱۳۷۶: ۴۲/۲). علاوه بر صادرات خود انگور از آن شراب نیز تهیه می‌شده است. اینکه منع اسلام در مورد نوشیدن شراب رعایت می‌شد یا نه؟ بر اساس منابع مشخص نشد. احتمال اینکه بخشی از تهیه شراب بر عهده غیرمسلمانان بوده باشد، بعید به نظر نمی‌رسد. ولی درهرصورت تهیه شراب و سرکه از انگور یکی از فرآورده‌ها و تولیدات مهم مرو بوده است. صاحب حدود العالم می‌نویسد: «از مرو سرکه خیزد» (حدود العالم، ۱۳۸۳: ۱۱۷). در این دوران، مَویز مرو به نام کُشمیهن - از شهرک‌های حومهٔ مرو - شهرت داشته و به تمام نقاط صادر می‌شده است (همان: ۵۱۵). یعقوبی آنجا که اولین منزل در راه مرو تا آمل را «کشماهن» می‌داند از مَویز کشمهانی سخن به میان آورده است (یعقوبی، ۱۳۴۳: ۶۰). چنین برمی‌آید نه‌تنها بخش عمدهٔ تولید مَویز در شهرک مزبور صورت می‌گرفته، بلکه در دوران موردبررسی از چنان شهرت بالایی برخوردار است که یعقوبی برای مخاطب خود مکان تولید آن را نیز مشخص می‌نماید. مَویز مرو به همراه خربزهٔ خشک‌شده تا بغداد و دربار خلفا حمل می‌شدند (ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۸۸). همچنین کشمش مرو از معروفیت خاصی برخوردار بود. طوسی در عجایب نامه درباره کشمش مرو آورده است: «در مرو میوه‌ها بود نیکو، خاصه کشمش» (طوسی(همدانی)، ۱۳۷۵: ۴۸۷). انجیر، زیتون، نارنگ، امرود، هندوانه، کدو، خیار، بابونه، از دیگر محصولات و فرآورده‌های مرو بودند که در آنجا تولید و مازاد آن به سایر مناطق صادر می‌شد (شبان، ۴۷-۴۶، ۸۹ و ۹۳). علاوه بر این‌ها، مقدسی از صادرات پنیر و انواع تخمه مرو به سایر مناطق گزارش‌هایی را داده است (مقدسی، ۱۳۶۱: ۲/ ۳۲۴).

منسوجات

منسوجات مرو در دو سده موردبررسی، به‌وفور در منابع این دوره ذکر شده‌اند. در ماوراءالنهر و خراسان انواع جامه و لباس از جنس پشم، ابریشم، کرباس (پارچه‌های پنبه‌ای) و پارچه کتانی (بز) به‌طور فراوان و متنوع دوخته می‌شد (حکم‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۹). رونق فعالیت‌های بازرگانی در زمینهٔ منسوجات در خراسان و ماوراءالنهر، موجب ایجاد بازار بزرگی در شهر بغداد برای این تولیدات تجملی می‌گردید (فرای، ۱۳۸۸: ۱۸۳). بخش عظیمی از تولیدِ منسوجات خراسان در دو شهر نیشابور و مرو صورت می‌گرفت تا جایی که بهترین و گران‌بهاترین جامه‌های ابریشمی و پنبه‌ای در این دو شهر تولید می‌شد (اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۰۵ و ۲۲۱؛ ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۱۶۸). پنبهٔ مرو باکیفیت خوب و نرم توصیف‌شده که به نقاط دیگر حمل می‌شد (ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۱۷۰؛ اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۰۸؛ حدود العالم، ۱۳۸۳: ۳۰۱). تولید ابریشم و پرورش پیله به‌طور فراوان در حومهٔ مرو باعث شده تا ادعای راه یافتن سرمنشأ و چگونگی تولید ابریشم از مرو به گرگان و طبرستان مطرح شود (اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۰۸؛ ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۱۷۱).

همچنین منسوجات تولیدی مرو ازجمله پارچه‌های ابریشمی از طریق شبکه‌های ارتباطی به سرزمین‌های غرب و اروپا صادر می‌شد (فرای، ۱۳۶۵: ۱۰۴؛ بولنوا، ۱۳۸۳: ۱۶۴). بیشتر صادرات محصولات مرو از طریق خوارزمیان بود که واسطه مبادلات تجاری محصولات مرو به اروپای شرقی بودند. این امر باعث حضور زیاد خوارزمیان در مرو بوده است[2]. ذکر این نکته ضروری است که در قرن دوم میلادی، یک‌رشته جدید کشاورزی یعنی نوغان‌داری و تربیت کرم ابریشم تحت تأثیر چینی‌ها در ایران و آسیای میانه پدید آمد. اطلاعات مندرج در متون نشان می‌دهد که پرورش کرم ابریشم در ایران به‌خصوص در مرو با موفقیت زیادی پیشرفت کرد و بازرگانان روم که از باکتریا (بلخ) به فرغانه می‌رفتند و با تجاری که از سغد عازم خاور دور بودند، مشغول دادوستد ابریشم بودند، به‌زودی این دادوستد خود را به مرو اختصاص دادند. بازرگانان اسلامی نیز کلیه اقلام تجارتی خود را ازجمله پارچه‌های ابریشمی، نیمه ابریشمی، روسری‌های ابریشمی، پنبه و سایر محصولات خود را از مرو تهیه می‌کردند (مفتاح،

---

۱. بر اساس داده‌های باستان‌شناسی کشت مو در مناطق آسیای مرکزی ازجمله مرو متداول بوده است: (ملک شهمیرزادی، ۱۳۷۶: ۴۲/۲).

۲. بارتولد در این زمینه می‌گوید که خوارزمیان نمایندگان عمده طبقه بازرگانان خراسان شدند و در هر یک از شهرهای خراسان عده کثیری خوارزمی دیده می‌شد (بارتولد، ۱۳۵۲: ۵۰۹/۱).

۱۳۷۱: ۹۸-۹۷). تولید ابریشم و پنبهٔ فراوان در مرو رونق پارچه‌بافی و گسترش مبادلات تجاری را نیز به همراه داشت. کارگاه‌های فراوان ابریشم‌بافی در امتداد جادهٔ ابریشم در مرو، ابریشم وارده از چین و هند را به حریر و دیبا تبدیل می‌کردند (اشپولر، ۱۳۷۳: ۲/۲۱۰؛ باستانی پاریزی، ۱۳۵۲: ۲۶۴-۲۶۲) و آن را به سایر مناطق ازجمله بغداد و دربار خلفای عباسی صادر می‌کردند. علاقه خلفا و سلاطین به پارچه‌های مروی باعث نظارت و کنترل بیشتر خلفا نسبت به این کارگاه‌ها می‌شد(Zeren, 2015: 29)

در شهرک دندانقان پارچه‌های حریر نسبت به نقاط دیگر به میزان زیادی بافته می‌شد. مُلحَم نیز نوعی دیگر از پارچه‌های ابریشمی است که بهترین نوع آن‌ها در مرو تولید می‌شد (مقدسی، ۱۳۶۱: ۴۷۵/۲؛ حدود العالم من المشرق الی المغرب، ۱۳۸۳: ۳۰۱). ابن فقیه از ملحم‌های سره که بهترین نوع مُلحَم است در مرو یاد کرده است[۱] (ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۸۸). این ملحم‌ها به سایر سرزمین‌های دیگر صادر می‌گشت (ناجی، ۱۳۷۸: ٦٨۵). پنبهٔ تولیدی مرو نیز نه‌تنها به‌صورت مادهٔ اولیه صادر می‌شد، بلکه پارچه‌های کرباس باکیفیت بسیار خوب از این پنبه‌ها نیز بافته می‌شد (اصطخری، ۱۳٦۸: ۲۰۸). ماسون و هرمان ازجمله محققان غربی هستند که به معروفیت پنبه مرو اشاره دارند (Masson, 1991: 182; Herrmann, 1997: 35).

صنعت نساجی در مرو تنها به بافت پارچه‌های ابریشمی و پنبه‌ای محدود نمی‌گشت، چنان‌که جامهٔ دوخته‌شده در مرو مانند سایر محصولات تولیدی دیگر به سرزمین‌های دیگر صادر می‌شد (ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۸۸). نخستین لباس سیاه که سیاه‌جامگان به تن داشتند در خانهٔ آل ابی‌النجم معیطی در مرو رنگرزی شد (ابن‌حوقل، ۱۳۴۵: ۱۷۱؛ اصطخری، ۱۳٦۸: ۲۰۸) که نشان‌دهندهٔ پیشینهٔ جامه‌بافی و رسته‌های مربوط به آن همچون رنگرزی در مرو می‌باشد. در قرون سوم و چهارم هجری جامه‌های بافته‌شده در خراسان جایگاه خاصی داشتند که در شهرهای مختلف ازجمله مرو و نیشابور تولید می‌شدند، البته یعقوبی معروفیت جامه‌های خراسان را به مرو نسبت می‌دهد (یعقوبی، ۱۳۴۳: ٦۰). روسری‌های صادرشده از مرو در دو نوع ابریشمی و پنبه‌ای به بازار عرضه می‌شدند (مقدسی، ۱۳٦۱: ۴۷۵/۲). جامه‌های مروی که از پارچه کتان و ابریشم بافته می‌شدند، عمدتاً از نوع جامه‌های گران‌قیمت (اعم از پنبه‌ای و ابریشمی) محسوب می‌شدند که مورداستفاده طبقات اعیان و شاهان بود (ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۵۹؛ ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۱۸٦).

سایر تولیدات

پوشش گیاهی و متنوع بیابان حومهٔ مرو، رشد گیاهان خاص و نادر همچون انجدان[۲] (انگدان) را به همراه داشت که در منطقهٔ خراسان و به‌ویژه مرو یافت می‌شد. ریشهٔ این گیاه را أُشتُرغاز[۳] یا خارشتر می‌نامیدند که به نقاط دیگر صادر می‌شد[۴] (حدود العالم، ۱۳۸۳: ۳۰۱؛ ابن‌حوقل، ۱۳۴۵: ۱۷۱؛ هروی، ۱۳۴٦: ۲۷۱-۲۷۰). اشترغاز در تولید کرباس، کاغذ و سرکه کاربرد داشت و با توجه به تولید شدن سرکه و کرباس در شهر مرو، این فرآورده می‌توانسته در تولیدات شهر مرو مؤثر باشد. گاو (مقدسی، ۱۳٦۱: ۳۲۴/۲)، پنیر، مس (Bosworth and Asimov, 1998: 91)، انواع دانه‌ها و شیره آن‌ها، پوست جانوران زنده، ظروف مسی فلزی (اصطخری، ۱۳٦۸: ۲۰۸؛ ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۱۷۱، بارتولد، ۱۳۸٦: ۱۱)، روغن کنجد، انواع عطرها و ترنجبین (بیات، ۱۳۵۳: ۷۴) از دیگر محصولات و فرآورده‌های تولیدی مرو بودند که به سایر سرزمین‌ها صادر می‌شدند. ذکر این نکته ضروری است که تولیدات شهر مرو به مواد خوراکی، منسوجات و فرآورده‌های کشاورزی محدود نمی‌شد، بلکه مسیر ارتباطی و بازرگانی مرو موجب ساخت محصولاتی در روند تکمیل کالاهای حمل شده می‌گشت که ازجمله می‌توان از ساختِ رکاب در مرو یاد کرد که می‌تواند به‌نوعی متأثر از عبور و حمل اسبان بخارایی از مرو باشد (ابن فقیه، ۱۳۴۹: ۸۸).

در زمینه مبادلات تجاری مرو با دیگر سرزمین‌ها ذکر چند نکته ضروری است. مبادلات تجاری مرو با چین در سده‌های سوم

۱. ملاحم به معنای پارچه‌های نیمه ابریشمی است.

2 . Anjadan

3 . Oshtorghaz

۴. در مورد انحصار تولید اشترغاز می‌توان گفت که در تمام جهان فقط از بیابان‌های مرو به دست می‌آمد و به سایر نقاط جهان صادر می‌شد: (شبان، ۱۳۹۵: ۴۷-۴٦).

و چهارم هجری، به نظر می‌رسد به دلیل عدم قبول مسکوکات نقره‌ای کم‌عیار از سوی چینی‌ها، به‌صورت پایاپای بوده است (هروی، ۱۳۸۲: ۳۱۹-۳۱۸). این کالاها عمدتاً اسلحه، دارچین، کمربند، آهن، سرامیک، خز، ظروف تجملاتی، منسوجات پشمی و سنگ‌های قیمتی بودند که مابین مرو و چین مبادله می‌شدند (پاکدامن، ۱۳۷۵: ۱۳-۱۲؛ شبان، ۱۳۹۵: ۵۲). روسیه، لهستان و کشورهای اسکاندیناوی نیز ازجمله سرزمین‌هایی بودند که در دو سده مورد بررسی ما، روابط و مبادلات تجاری با خراسان ازجمله مرو داشتند. روسیه مسیر مناسبی برای ارتباط تجاری سامانیان با غرب بود. به‌ویژه از آغاز قرن چهارم هجری این ارتباط بازرگانی وسعت بیشتری گرفت (هروی، ۱۳۸۲: ۳۲۶). سکه‌های یافت شده در روسیه، لهستان و کشورهای اسکاندیناوی این ادعا را تأیید می‌کند (هروی، ۱۳۸۶: ۱۵۴؛ فروزانی، ۱۳۸۱: ۱۶۵؛ Bosworth and Asimov, 1998: 92; Noonan, 1974: 448-453).

بازار مرو

بازار به‌عنوان یک نهاد مهم اقتصادی و تجاری از دوره ساسانیان در ایران در شهرها به وجود آمد (سلطان‌زاده، ۱۳۶۷: ۲۵۱). درواقع از دوران باستان بازار نقش کلیدی در زمینه دادوستد کالا در خراسان داشت که به دوره اسلامی نیز رسید. این امر به علت تداوم روابط تجاری خراسان با مناطق مختلف بود. بازارهای موجود در شهرهای خراسان، مبدأ و سرچشمه رشد اقتصادی این منطقه به شمار می‌رفتند، زیرا مرغوب‌ترین کالاهای تجاری این شهرها و سرزمین‌های دیگر در درون این بازارها توسط بازرگانان دادوستد می‌شدند. بازار مرو به علت قرار گرفتن در مسیر راه‌ها و ایجاد روابط تجاری با شهرها و مناطق هم‌جوار، به رشد اقتصادی بالایی دست‌یافت (محمدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۶-۱۲۴).

رشد اقتصادی شهر مرو، جایگاه ارتباطی و افزایش تولیدات شهری، افزایش حجم مبادلات را در پی داشت. همراه با انتقال فعالیت‌های شهری از سطح شهر به ربض، بازار شهر توسعه، رشد و رونق یافت. در سدهٔ چهارم این بازارها از شهر به نزدیکی دروازه ربض انتقال یافتند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۴۵۴/۲). در همین قرن بازار مرو به رشد و توسعهٔ نهایی خود در محدوده ربض رسید. نحوهٔ ساخت و نوع بناهای بازارهای مرو از نظم و ترتیب خاصی برخوردار بوده‌اند. برای هر رسته از پیشه‌وران، حِرف بازار جداگانه وجود داشت که بازار مرو را نسبت به بازار سایر شهرها متمایز می‌کرد (اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۰۸؛ فروزانی، ۱۳۸۱: ۱۶۳). دربارهٔ شاخص بودن بازار مرو در خراسان در حدود العالم آمده است: «... اندر همه خراسان شهری نیست از نهاد بازار وی نیکو» (حدود العالم، ۱۳۸۳: ۳۰۱). توسعه بازار تنها مربوط به شهر مرو نمی‌شد، بلکه وجود بازار در شهرک‌های پیرامون، همچون خرق، سنج و کشمیهن باعث می‌شد تا ضمن انجام بخشی از مبادلات مرو در آن‌ها، از تراکم بیش از حد جمعیت در شهر مرو جلوگیری شود (مقدسی، ۱۳۶۱: ۴۵۶/۲؛ ابن‌حوقل، ۱۳۴۵: ۱۷۰). بازار مرو محل فروش محصولات زراعی مانند گندم، جو، خربزه و غیره بود، بدان دلیل که این محصولات از زمان‌های بسیار دور در این منطقه کشت می‌شد و به فروش می‌رفت. اگرچه در دو سده نخستین هجری، در قسمتی از بازار شهر مرو کالاهای چینی نیز عرضه می‌شد و آن‌هم بدان دلیل بود که بخشی از دادوستد این کالاها توسط سغدیان صورت می‌گرفت (محمدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۳)، اما با توجه به اینکه در قرون سوم و چهارم هجری همچنان ابریشم و محصولات حاصل از آن در بازار مرو دادوستد می‌شد، به نظر می‌رسد در این دو قرن هم سغدیان در بازار مرو نقش فعالی داشتند، زیرا آن‌ها با حمل ابریشم این شهر به مناطق شرقی هم‌جوار با خراسان، ازجمله چین، در مقابل، کالاهای چینی را برای تجارت به بازارهای خراسان ازجمله بازار مرو می‌رساندند (همان). تجار سغدی یکی از محل‌های بازار مرو را به خود اختصاص داده بودند که سوق السغد[1] نام داشت (شعبان، ۱۳۸۶: ۳۲). همچنان که پیشتر گفته شد خوارزمیان نیز بخشی از مبادلات تجاری مرو را بر عهده داشته و در بازار مرو حضوری فعال داشتند.

رشد تبادلات در بازار مرو، باعث شد تا در قرن چهارم بخشی از بازار به صرافان مرو اختصاص یابد (مقدسی، ۱۳۶۱: ۴۵۴/۲). چراکه پول و سکه نقره در خراسان در این زمان بسیار

1 . Soqolsoghd

رشد کرده بود و وجود چنین بازاری را اقتضاء می‌کرد (باستانی‌راد، ۱۳۹۰: ۳۰-۱۵). همچنین بازار مرو یکی از مراکز فروش برده به شمار می‌رفت (اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۲۷ و ۲۲۱؛ فرای، ۱۳۸۸: ۱۱۲). می‌توان گفت ادعای یکی از پژوهشگران درباره آهن مرغیانا (مرو) در بازار مرو، همان آهن وارداتی از چین می‌باشد که به دلیل عبور و مرور بدین نام شهرت یافته است (باستانی پاریزی، ۱۳۵۲: ۲۲۰) موقعیت تجاری ذکر شده در شهر مرو و صدور تولیدات مرو به نقاط دور به گسترده‌تر شدن فعالیت تجار مروی کمک شایانی می‌کرد. آن‌ها همسو با تجار دیگر شهرهای بزرگ خراسان در بازار بزرگ بغداد حضور داشتند. رئیس یا فرمانده‌ای از جانب دستگاه خلافت بر کار آن‌ها نظارت می‌کرد (یعقوبی، ۱۳۴۳: ۱۶). رشد بازار و حجم تبادلات در مرو باعث اعتلای نقش طبقه تاجران گردید تا آنجا که بازاریان وارد رقابت‌های شهری و نزاع با دهقانان گردیدند (مقدسی، ۱۳۶۱: ۴۹۲/۲). درواقع، در مرو بازرگانان و بازاریان بخش برجسته و قدرتمند جامعه را تشکیل می‌دادند. درصورتی‌که در دیگر شهرهای شاخص عصر سامانی مانند بخارا دیگر طبقات همچون نظامیان و علما در ردیف بازرگانان قرار می‌گرفتند.

نتیجه‌گیری

شهرها در طول تاریخ ایران، صرف‌نظر از اهمیت سیاسی، دارای جایگاه ویژه‌ای از منظر اجتماعی و اقتصادی نیز بوده‌اند که در مطالعات مرسوم تاریخی به این مهم، کمتر توجه شده است. جایگاه اقتصادی یک شهر و تحولات ناشی از آن بخشی مهم از مطالعات تاریخی است که اهمیت شهر را دوچندان جلوه می‌دهد. شهرهای مناطق شرقی ایران به‌ویژه مناطق خراسان و ماوراءالنهر، از دیرباز دارای این جایگاه ویژه اقتصادی بوده‌اند. یکی از شهرهای مهم این منطقه که در پژوهش حاضر از منظر اقتصادی موردبررسی قرار گرفت، شهر مرو می‌باشد که اهمیت سیاسی و اقتصادی آن ریشه در دوران قبل از اسلام دارد و در قرون سوم و چهارم هجری این اهمیت خود را حفظ و تقویت کرد. در مقاله حاضر جایگاه اقتصادی مرو در قرون سوم و چهارم هجری مورد واکاوی قرار گرفت که استنتاج پژوهش را می‌توان به شیوه زیر صورت‌بندی کرد: عمده دلایل شکوفایی اقتصادی شهر مرو، راه‌های تجاری و بهره‌مندی از مزایای جاده ابریشم، وجود رود مرو، سیستم تولیدات کشاورزی، تولید و صدور انواع منسوجات و نقش پررنگ بازار بودند. از منظر راه‌های تجاری می‌توان گفت که شهر مرو به دلیل داشتن موقعیت استراتژیک، باعث رونق ارتباطی در سه‌نقطه: جاده ابریشم، مسیر تجارت به هند و معبر ارتباطی میان هند و ولگا گشت. در زمینه شبکه آبیاری مرو می‌توان چنین اذعان کرد که سیستم قوی آبیاری آن در دو قرنِ مورد بررسی، علاوه بر رونق محصولات کشاورزی، باعث رشد و رونق شهرک‌های اقماری مرو گشت. از منظر نظام تولیدی علاوه بر تولید انواع غلات، میوه‌جات، خشکبار و منسوجات، می‌توان شاهد صنعت پارچه‌بافی، کارگاه‌های ابریشم‌بافی، جامه بافی و رنگرزی نیز بود. نکته قابل‌توجه آن است که صادراتِ بخش اعظم این تولیدات به شهرها و مناطق هم‌جوار و دوردست بود که شهر مرو را در زمینه صادرات محصولات تولیدی و اقتصادی از سایر شهرهای خراسان متمایز می‌کرد. مرکز این مبادلات بازار مرو بود که با دارا بودن نظم و ترتیب خاص و اختصاص دادن هر راسته‌بازاری به یک صنف، وجود صرافان، مرکز برده‌فروشی و گستره فعالیت‌های تجار و بازرگانان در این بازار، نقش والایی در رونق اقتصادی مرو در سده‌های سوم و چهارم هجری داشت. از منظر تجارت خارجی، مرو در قسمت غربی با روسیه، اروپای غربی، اروپای شرقی ازجمله لهستان مبادلات تجاری داشت و در قسمت شرقی بیشترین ارتباط تجاری با چین و هند بود که مازاد مهم‌ترین تولیدات و فرآورده‌های مرو به سرزمین‌های مذکور صادر می‌شد. تجارت داخلی مرو علاوه بر دربار خلفای عباسی در بغداد، با مناطق ماوراءالنهر، گرگان و طبرستان بود که این مبادلات بیشتر به‌صورت پایاپای بودند. درمجموع هرچند رشد مرو از منظر سیاسی در طول قرون سوم و چهارم هجری دارای فراز و نشیب‌هایی متأثر از نوع نظام سیاسی حاکم بوده است، از منظر اقتصادی رونق و شکوفایی آن به‌صورت یک روند خاص از قرن سوم شروع شد و در پایان قرن چهارم به شکوفایی اقتصادی رسید. این شکوفایی اقتصادی در تولیدات انبوه، مبادلات تجاری داخلی و خارجی نمایان می‌شود که دربردارنده جایگاه مهم اقتصادی مرو در این دو سده می‌باشد.

فهرست منابع

۱. آلتهایم، فرانتس و همکاران. (۱۳۹۳). ***تاریخ اقتصاد دولت ساسانی***. مترجم هوشنگ صادقی. تهران: علمی و فرهنگی.

۲. ابوالفداء، عماالدین اسماعیل بن علی. (۱۳۴۹). ***تقویم البلدان***. ترجمه عبدالمحمد آیتی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

۳. ابن حوقل، ابوالقاسم محمد. (۱۳۴۵)، ***صوره الارض***. ترجمه جعفر شعار. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

۴. ابن خردادبه، ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله. (۱۳۷۱). ***مسالک و ممالک***. ترجمه سعید خاکرند. تهران: میراث ملل.

۵. ابن رسته، احمد بن عمر. (۱۳۶۵). ***الاعلاق النفسیه***. ترجمه و تعلیق حسین قره‌چانلو. تهران: امیرکبیر.

۶. ابن فضلان، احمد. (۲۵۳۵). ***سفرنامه ابن فضلان***. ترجمه ابوالفضل طباطبائی. تهران: شرق.

۷. ابن فقیه، احمد. (۱۳۴۹). ***البلدان***. ترجمه ح مسعود. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

۸. ابن فندق، علی بن زید بیهقی. (۱۳۶۱). ***تاریخ بیهق***. با تصحیح و تعلیقات احمد بهمنیار. با مقدمه محمد بن عبدالوهاب قزوینی. تهران: فروغی.

۹. اشپولر، برتولد. (۱۳۷۳). ***تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی***. ج۲. ترجمه جواد فلاطوری. تهران: علمی و فرهنگی.

۱۰. اشرف، احمد. (۱۳۵۳). «تحقیق در مسائل ایران: ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران- دوره اسلامی». ***مطالعات جامعه‌شناختی***. (شماره ۴)، ۴۹-۷.

۱۱. اصطخری، ابراهیم بن محمد. (۱۳۶۸). ***مسالک و ممالک***. به اهتمام ایرج افشار. تهران: علمی و فرهنگی.

۱۲. انصاری دمشقی، شمس‌الدین محمد بن ابی‌طالب. (۱۳۸۲). ***نخبه الدهر فی عجائب البر و البحر***. ترجمه سید محمد طبیبیان. تهران: اساطیر.

۱۳. بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ. (۱۳۸۶). ***تذکرهٔ جغرافیای تاریخی ایران***. ترجمه حمزه سردادور. تهران: توس.

۱۴. بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ. (۱۳۵۲). ***ترکستان نامه: ترکستان در عهد هجوم مغول***. ج۱. ترجمه کریم کشاورز. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

۱۵. باستانی پاریزی، محمدابراهیم. (۱۳۵۲). ***اژدهای هفت‌سر***. تهران: بنگاه مطبوعاتی صفی‌علی‌شاه.

۱۶. باستانی‌راد، حسن. (۱۳۹۰). «مبادلات پولی و سکه‌خانه‌های سامانیان». ***پژوهشنامه خراسان بزرگ***. (شماره ۲)، ۳۰-۱۵.

۱۷. برت اشنایدر، امیلی واسیلیویچ. (۱۳۸۱). ***ایران و ماوراءالنهر در نوشته‌های چینی و مغولی سده‌های میانه***. ترجمه و تحقیق هاشم رجب‌زاده. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

۱۸. بولنوا، لوس. (۱۳۸۳). ***راه ابریشم***. مترجم ملک ناصر نوبان. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۱۹. بلاذری، ابوالحسن احمد ین یحیی. (۱۳۳۷). ***فتوح البلدان***. ج۲. ترجمه محمد توکل. تهران: نقره.

۲۰. بیات، عزیز الله. (۱۳۵۳). «اوضاع اقتصادی ماوراءالنهر و خراسان در زمان حکومت سامانیان». ***بررسی‌های تاریخی***. (شماره ۳). ۸۳-۶۳.

۲۱. پاکدامن، رضا. (۱۳۷۵). ***جاده ابریشم و سایر مسیرهای حمل و نقل تجاری آسیای مرکزی با جهان***. تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

۲۲. ***حدود العالم من المشرق الی المغرب***. (۱۳۸۳). ترجمه میرحسین شاه. تصحیح و حواشی مریم میراحمدی- غلامرضا ورهرام. تهران: دانشگاه الزهراء.

۲۳. حکم‌آبادی، عارفه سادات و همکاران. (۱۳۹۴). «بررسی نقوش پارچه‌های سامانی». ***پژوهشنامه خراسان بزرگ***. (شماره ۲۰)، ۷۴-۵۷.

۲۴. حموی بغدادی، یاقوت. (۱۹۹۵م). ***معجم البلدان***. ج۲،۵. بیروت: دار صادر.

۲۵. سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۶۷). ***مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران***. تهران: امیرکبیر.

۲۶. سید سجادی، منصور. (۱۳۸۳). ***مرو: بازسازی جغرافیای تاریخی یک شهر بر پایه نوشته‌های تاریخی و شواهد باستان‌شناسی***. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.

۲۷. سیدی، مهدی و همکاران. (۱۳۸۶). ***جغرافیای تاریخی مرو***. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.

۲۸. شارپ، رالف نورمن. (۱۳۸۸). ***فرمان‌های شاهنشاهان هخامنشی***. تهران: پازینه.

۲۹. شبان، فاطمه. (۱۳۹۵). «منابع ثروت مرو از تشکیل دولت‌های مستقل تا حمله مغول». ***پایان‌نامه کارشناسی ارشد***. مشهد: دانشگاه فردوسی.

۳۰. شعبان، محمد عبدالحی محمد. (۱۳۸٦). ***فراهم آمدن زمینه‌های سیاسی و اجتماعی نهضت عباسیان در خراسان.*** ترجمه پروین ترکمنی آذر. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۳۱. فرای، ریچارد.ن. (۱۳۸۸). ***عصر زرین فرهنگ ایران.*** ترجمه مسعود رجب نیا. تهران: سروش.

۳۲. فرای، ریچارد.ن. (۱۳٦۵). ***بخارا دستاورد قرون‌وسطی.*** ترجمه محمود محمودی. تهران: علمی و فرهنگی.

۳۳. فروزانی، ابوالقاسم. (۱۳۸۱). ***تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره سامانیان.*** تهران: سمت.

۳۴. قزوینی، زکریا ابن محمد. (۱۳۷۳). ***آثار البلاد و اخبار العباد.*** ج۲. مترجم جهانگیر میرزا ابن عباس میرزا. مصحح میرهاشم محدث. تهران: امیرکبیر.

۳۵. قدامه بن جعفر. (۱۳۷۰). ***الخراج.*** ترجمه و تحقیق حسین قره‌چانلو. تهران: البرز.

۳٦. قمی، حسن بن محمد بن حسن. (۱۳۵۳). ***تاریخ قم،*** مصحح جلال‌الدین طهرانی. مترجم. حسن بن علی بن عبدالملک قمی. تهران: مطبعه مجلس.

۳۷. طبری، محمد بن جریر. (۱۳۷۵). ***تاریخ طبری.*** ج٦. ترجمهٔ ابوالقاسم پاینده. تهران: اساطیر.

۳۸. طوسی (همدانی)، محمد بن محمود. (۱۳۷۵). ***عجایب نامه، عجایب المخلوقات و غرائب الموجودات.*** مصحح جعفر مدرس صادقی. تهران: مرکز

۳۹. مستوفی قزوینی، حمدالله. (۱۳۷۸). ***نزهه القلوب.*** به تصحیح و تحشیه دکتر محمد دبیر سیاقی. تهران: طه.

۴۰. محمدی، ذکر الله و همکاران. (۱۳۹۲). «بازار و کارکرد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آن در شهرهای بلخ، مرو و نیشابور در دو سده نخست هجری قمری». ***مطالعات تاریخ اسلام.*** (شماره ۱٦). ۱۴٦-۱۲۱.

۴۱. مفتاح، الهامه. (۱۳۷۱). «جغرافیای تاریخی مرغاب، مرو و مروالرود». ***تحقیقات تاریخی.*** (شماره ٦ و ۷).

۴۲. مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد. (۱۳٦۱). ***احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم.*** ج ۲. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان.

۴۳. ملک شهمیرزادی، صادق. (۱۳۷٦). ***تاریخ تمدن‌های آسیای مرکزی،*** ج ۱و ۲، تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

۴۴. هروی، جواد. (۱۳۸۲). ***تاریخ سامانیان (عصر طلایی ایران بعد از اسلام).*** تهران: امیرکبیر.

۴۵. هروی، جواد. (۱۳۸٦). ***پژوهش‌هایی پیرامون عصر سامانیان.*** مشهد: پژوهش توس.

۴٦. هروی، قاسم بن یوسف ابونصر. (۱۳۴٦). ***ارشاد الزراعه.*** تهران: دانشگاه تهران.

۴۷. کرمر، جویل. (۱۳۷۵). ***احیای فرهنگی در عهد آل‌بویه، انسان‌گرایی در عصر رنسانس اسلامی.*** ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

۴۸. کریستنسن، آرتور. (۱۳۷۸). ***ایران در زمان ساسانیان.*** ترجمه رشید یاسمی. تهران: صدای معاصر.

۴۹. گیرشمن، رومن. (۱۳۷۹). ***ایران از آغاز تا اسلام.*** ترجمه محمد معین. تهران: علمی و فرهنگی.

۵۰. لسترینج، گای. (۱۳٦۴). ***جغرافیای تاریخ سرزمین‌های خلافت شرقی.*** ترجمه محمود عرفان. تهران: علمی و فرهنگی.

۵۱. ناجی، محمدرضا. (۱۳۷۸). ***تاریخ و تمدن اسلامی در قلمرو سامانیان.*** تهران: مجمع علمی تمدن، تاریخ و فرهنگ سامانیان.

۵۲. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب. (۱۳۴۳). ***البلدان.*** ترجمه محمدابراهیم آیتی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۵۳. یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب. (۱۳۸۲). ***تاریخ یعقوبی.*** ج۲. ترجمه محمدابراهیم آیتی. تهران: علمی و فرهنگی.

54. C.E. Bosworth and M.S Asimov. (1998). *History of civilizations of central Asia*. (vol IV). paris: Unesco publishing.

55. Herrmann, Georgian. (1997). "Early and Medieval Merv: A Tale of Three Cities". In: *proceedings of the British Academy*. (vol 94). Lecture and Memori,. 1-43

56. Zeren, M.Ebru. (2015). "Merv: An oasis capital in the ancient paradise". in: *Tourism in central Asia*. editor mahmood A.khan. Torento, New Jersey: Apple Academic press, 123-148.

57. Zadneprovsky, Y.A. (1995). *Early urban developments in central Asia*. (vol 33). published by British Institute of persian studies.

58. Masson, V.M. (1991). "Merv, the soul of kings". In: ***world history***. (vol 29). British Institute of persian studies, 181-183.

59. Noonan, Thomas.S. (1974). "Medieval Islamic copper coins from European Russia and surrounding Regions: The use of the Fals in Early Islamic Trade with Eastern Europe". ***American Oriental Society***. (vol 49), 448-453.